



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

# نشان و محبت در قرآن

عبدالرحمن صدیقی

پت: حمزه حسن محمدسنی

hmohsenib@yahoo.com

فانس آمونته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده:

این نوشتار با بررسی دیدگاه اسلام نسبت به غرایز جنسی انسانها و با تکیه بر مستندات کتاب و سنت در پی اثبات این مدعاست که اسلام به عنوان دین فطرت، بهره‌مندی از غریزه‌های که خداوند در وجود انسان به ودیعت نهاده است را در چارچوب قوانین الهی، به رسمیت می‌شناسد و در عین حال، از انسان به عنوان اشرف مخلوقات خواسته است تا تلاش خود را بیشتر از دنیا به آخرت معطوف

۳۸

فوق العاد

مجله پژوهش‌های علمی و فلسفی  
سال هجری ۱۳۸۵، شماره ۱۳۸

بدارد و علی رغم آنکه سهم خود را از دنیا به دست فراموشی نمی‌سپارد، عمده همت خود را در طلب لقای خداوند مصروف بدارد.

بهترین عبارتی که می‌توان اسلام را با آن توصیف نمود، این است که اسلام دین فطرت است و بهترین شاهد بر این ادعا را می‌توان موضع‌گیری صریح و مثبت این دین در قبال حساس‌ترین موضوع حیات، یعنی مسائل جنسی دانست. دین اسلام با قانونمند کردن استفاده از غریزه جنسی یعنی ازدواج، بیشترین توجه را به غریزه جنسی نموده است و دلیل این اهتمام این است که غریزه جنسی از ریشه‌دارترین غرایز موجود در فطرت انسان به شمار می‌رود. همچنین این غریزه، نخستین غریزه‌ای است که نمود ظاهری آن در بدن جنین قبل از تولد پیدا می‌شود. این مسئله جای شگفتی ندارد؛ زیرا غریزه جنسی عامل تولید در عالم طبیعت جانداران اعم از گیاهان، حیوانات و انسان است و تنها عامل مؤثر در ثبات انواع موجودات از طریق تداوم تولید مثل به شمار می‌رود تا بتواند جای خالی هزاران موجود زنده‌ای را که ملک‌الموت در تلاش بی‌وقفه و بی‌رحمانه خود در هر روز در دریا و زمین و هوا و تمامی نقاط این سیاره معلق در فضای بیکران به کام مرگ می‌فرستد، پر کند.

از آنجایی که خداوند متعال در کتاب خود می‌فرماید: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ اِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (۱) ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم. لذا جای تعجب نیست که در مجموعه آیاتی که از طریق جبرئیل بر ایشان نازل گردیده است، آیات بسیاری در مورد مسائل جنسی که جایگاه مهمی در ادامه زندگی انسانها دارد، می‌باشد.

در بیان جزئیات غریزه جنسی در میان قبائل ابتدایی و بعضی تمدنهای بت‌پرستی و ناهنجاریهایی همانند ازدواج فرزندان با مادر و پدران با دخترانشان تنها به برخی دستورات دین اسلام در تنظیم زندگی جنسی بسنده می‌نماییم. خداوند در سوره نساء در مورد رعایت حرمت خویشاوندی می‌فرماید: «حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم و عماتکم و خالاتکم و بنات الاخ و بنات الاخ» (۲) ازدواج با مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر بر شما حرام شد. پس از بیان محارم، خداوند به ذکر کسانی که

ازدواج با آنها حلال است، می‌پردازد: «و اهل لکم ماوراء ذالکم ان تبتغوا باموالکم محصنین غیر مسافحین فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضه» (۳) ... و غیر از این زنان نامبرده برای شما حلال است که زنان دیگر را به وسیله اموال خود طلب کنید، در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متحد کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید.»

در قرآن کریم تشویق مسلمانان به برقراری پیوند ازدواج میان مردان و زنان بارها تکرار شده است، مانند آیه شریفه: «و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم» (۴) بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسران دهید. و یا در این آیه کریمه: «و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلو فواحدہ او ما ملکت ایمانکم» (۵) و اگر بترسید که در مورد یتیمان انصاف را رعایت نکنید، از زنانی را که برای شما پاکیزه‌اند، دو یا سه یا چهار به نکاح خود درآورید و اگر بیم دارید که نتوانید عدالت را میان ایشان اجرا کنید، پس یک زن یا کنیز اختیار کنید.»

خداوند متعال در سوره نحل در اشاره به ثمره ازدواج یعنی فرزندان و نوادگان می‌فرماید: «و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده» (۶) و خداوند همسرانی را برای شما از جنس خودتان آفرید و از این همسران فرزندان و نوادگانی را برای شما قرار داد. این آیه به نتیجه رابطه جنسی میان زن و مرد و اینکه این امر موجب دوام نسل و جلوگیری از انقراض نسل بشر را فراهم می‌سازد، اشاره می‌نماید. بشری که نسبت به انواع دیگر موجودات، جایگاه برتری دارد و آبادانی هستی و توسعه حوزه دانشها و تعالی حیات، به او واگذار گردیده است.

قرآن کریم علاوه بر بیان این نیاز آفرینش که هدف اساسی و اصلی از ایجاد رابطه جنسی میان دو زوج است، این نکته را نیز یادآور می‌شود که خداوند براساس حکمت عظیمه خویش، حق لذت برای بهره جستن در زندگی دنیا و اسباب دنیوی را برای بشر فانی محترم شمرده و لذت را در چارچوب دین، حق مشروع انسانها دانسته است. این حکمت، رحمتی از جانب پروردگار به بندگانش محسوب می‌گردد تا در زندگی دنیوی که سراسر آن غم

بهترین عبارتی که می‌توان اسلام را با آن توصیف نمود، این است که اسلام دین فطرت است و بهترین شاهد بر این ادعا را می‌توان موضع‌گیری صریح و مثبت این دین در قبال حساس‌ترین موضوع حیات، یعنی مسائل جنسی دانست



قرآن نه تنها عاملی برای مؤاخذه روابط جنسی، تا زمانی که در چارچوب زناشویی و حدود مشخص شده توسط دین باشد نمی‌بیند، بلکه دین اسلام این روابط جنسی زناشویی را به این دلیل که مانع ارتکاب زنا و دوری از منکرات است را تکمیل‌کننده دین می‌داند و این راز اصلی تشویق مکرر قرآن به ازدواج با استفاده از اسلوب تأکید با فعل امر می‌باشد

و اندوه، است، خوشی لذتهایی از قبیل: خوردن و لذت جنسی را از بین نبرد. خداوند می‌فرماید: **«قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين ء امنوا في الحيوه الدنيا خالصه يوم القيمه كذالك فصل الايات لقوم يعلمون. قل انما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و البغى بغير الحق»** (۷) [ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد. این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم. بگو: پرورگار من فقط زشتکاریها را، چه آشکار و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است...»

اسلام مخالف نظر کلیسای مسیحیان است که عامل معصیت خدا را در داستان آدم، حوا می‌داند. قرآن در حکایت داستان آدم و حوا تصویری متفاوت و مخالف تصویر فوق ارائه نموده و قائل به تساوی حقوق آدم و حوا است و ماجرا را این گونه بیان می‌نماید که آنها در برابر وسوسه شیطان لغزیدند و هر دوی آنها به خاطر توبه و ندامتشان، مستحق بخشش و مغفرت خدای رحمان شدند و بدین ترتیب

قرآن، لعنت ابدی دین را از زن برداشت و اعتبار او را به وی برگرداند و اعتبار رابطه جنسی را که وابسته به اعتبار زن بود، دوباره احیاء کرد. قرآن نه تنها عاملی برای مؤاخذه روابط جنسی، تا زمانی که در چارچوب زناشویی و حدود مشخص شده توسط دین باشد نمی‌بیند؛ بلکه دین اسلام این روابط جنسی زناشویی را به این دلیل که مانع ارتکاب زنا و دوری از منکرات است را تکمیل‌کننده دین می‌داند و این راز اصلی تشویق مکرر قرآن به ازدواج با استفاده از اسلوب تأکید با فعل امر می‌باشد.

موضعگیری اسلام درباره تشویق به ازدواج که در قرآن ذکر گردیده است، نه تنها بدعت نیست؛ بلکه دیدگاه سایر ادیان و حتی آئینهای بت پرستی نیز این گونه بوده است. به عنوان مثال حضرت عیسی زندگی خویش را در مجرد گذرانده، اما با این وجود در بخشی از انجیل متی آمده است: «گمان مبرید که رسالت من این است که کتب آسمانی یا پیامبران را نقض نمایم. رسالت من این نیست که رسالتی را نقض کنم؛ بلکه رسالت من تکمیل [آئین‌های پیشین] است. شنیده‌اید که به پیشینیان گفته‌اند: زنا نکنید، اما من بر این عقیده ام که هرکس به زنی نگاهی شهوت‌آمیز، نظر بیفکند، در قلب خود با او زنا کرده است.» همچنین حضرت مسیح برای

دفاع از روابط زناشویی بر دوری از طلاق تأکید داشت. در اصحاب نوزدهم انجیل متی چنین آمده است: «آیا نخوانده‌اید که آن کسی که خلقت را پدید آورده، انسان را به صورت زن و مرد آفریده است. سپس فرمود: به همین خاطر، مرد؛ پدر و مادر خویش را رها می‌نماید و به زن خویش می‌پیوندد و بیکر واحدی را تشکیل می‌دهند.» بنابراین، زن و مرد، دو نفر محسوب نمی‌گردند؛ بلکه فرد واحدی محسوب می‌گردند و چیزی که خداوند میان آنان رابطه‌ای مستحکم برقرار نموده است، انسان قادر به جدایی این رابطه نیست. البته شور و حال حضرت عیسی مسیح در دفاع از روابط زناشویی به عنوان پیمانی که انسان مجاز به برهم زدن آن نیست، مانع از این نگردید که وی کلام دیگری در مورد موضوع ازدواج که مفهوم و کلام آن در سه نسخه از انجیل از چهار انجیل آمده است، بیان کند. عیسی (ع) فرمود: «فرزندان این جهان، زن می‌گیرند و به همسری دیگران درمی‌آیند، اما کسانی که خود را شایسته رسیدن به جهان دیگر و قیامت می‌دانند، از ازدواج خودداری می‌نمایند.» این کلام در میان مخاطبانش تأثیری مهم و فوق‌العاده بر جای گذاشت؛ کسانی که دارای اندیشه‌های رویایی بودند و هیچ‌گونه احساسی به زندگی نداشتند و در آرزوی ظهور حقیقت واقعی خود و شیفته‌رهایی از قید و بندها بودند، کسانی که نمی‌خواستند در تجربه عملی که بشر به خاطر آن به وجود آمده است، مشارکت داشته باشند. این کلام عیسی مسیح آغاز رهبانیت در نزد زنان و مردان مسیحی بود.

در رویارویی با این دعوت، اسلام به عنوان دین فطرت، از قداست روابط زناشویی امت پیامبر اکرم (ص) دفاع نمود و در دعوت از پیروان این دین به ازدواج، فرمود: «رهبانیت در اسلام وجود ندارد.» یکی از نشانه‌هایی که می‌توان از سعه صدر اسلام برشمرد، عبارتی است که در سوره آل عمران در وصف حضرت عیسی (ع) بیان گردیده است که او «حصور» بود؛ یعنی، علی‌رغم اینکه وی امکان نزدیکی با زنان را داشت، اما او از این عمل ممانعت ورزید که می‌توان در صحیح این مدعا این آیه را ذکر نمود: «وَسَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (۸)؛ بزرگوار و خویشندار [پرهیزنده از زنان] و پیامبری از شایستگان است.» وصف عیسی (ع) در این آیه به معنی تمجید از ازدواج نمودن او نیست؛ بلکه تقدیری است که از کردار مبتنی بر اصول او به عمل آمده است.

واقعیت این است که هیچ دین و سرزمینی از حضور دینداران افراطی و زاهدانی که از اموال دنیا اعم از مال و فرزند، غذاهای لذیذ و به ویژه شهوت زنان رویگردان بوده‌اند، خالی نبوده است. هر چند این زهدورزی در بهره‌مندی از خواهشهای دنیوی به عنوان گناه و روابط جنسی حلال به تصور نجس بودن آن در مورد بیشتر این زاهدان، دوام چندانی نداشت، اما این افراد با توسل به ریاضت جسمانی، خود را از تمامی نعمتهای دنیا به ویژه غریزه جنسی حفظ می‌کردند و علاوه بر این به طور ارادی شهوتهای جسمانی را برخلاف قانون فطرت می‌کشتند.

در دوران پیامبر اکرم (ص) عده‌ای از مسلمانان زهدورزی و زیاده‌روی در عبادت را اختیار نمودند و در مورد ایشان روایت شده است که سه تن از آنها به خانه همسران پیامبر آمدند و از عبادت آن حضرت پرسیدند و با شنیدن واقعیت، عبادتهای پیامبر در نظرشان اندک آمد، لذا شروع به توجیه کرده و گفتند: «پیامبر کجا و ما کجا، در حالی که خدا تمامی گناهان گذشته و آینده او را بخشیده است.» لذا یکی از آنها گفت: «من برای همیشه شب‌زنده‌داری خواهم کرد.» دیگری گفت: «من نیز تمامی عمر خود را روزه می‌گیرم و افطار نمی‌کنم.» و سومی گفت: «من نیز از زنان کناره‌گیری خواهم نمود و تا ابد ازدواج نخواهم کرد.» پیامبر اکرم (ص) بعد از اطلاع از این موضوع فرمود: «آیا شما این حرفها را زده‌اید؟ بدانید قسم به خدا که تقوا و ترس من از خدا از شما بیشتر است، اما باز روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم، نماز می‌خوانم و می‌خوابم و با زنان ازدواج می‌کنم و هر کسی که از سنت من روی بگرداند از من نیست.»

اما نوع رابطه جنسی موجود در ازدواج، موضوعی است که بایسته است به آن توجه گردد و هدف از تفکر درباره چگونگی عمل پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با غریزه جنسی تنها تأیید این روابط است؛ چرا که خداوند متعال درباره آن در قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (۹)؛ او از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.» بر این اساس، نمی‌توان زندگی مشترک نمونه‌ای را بر اساس آنچه در این آیه ذکر گردیده است، توصیف نمود؛ چرا که استعمال لفظ آنفسکم در آیه «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ

قرآن در حکایت داستان آدم و حوا تصویری متفاوت و مخالف تصویر کلیسای مسیحی ارائه نموده و قائل به تساوی حقوق آدم و حوا است و ماجرا را این گونه بیان می‌نماید که آنها در برابر وسوسه شیطان لغزیدند و هر دوی آنها به خاطر توبه و ندامتشان، مستحق بخشش و مغفرت خدای رحمان شدند و بدین ترتیب قرآن، لعنت ابدی دین را از زن برداشت و اعتبار او را به وی برگرداند و اعتبار رابطه جنسی را که وابسته به اعتبار زن بود، دوباره احیاء کرد





در توصیف نعمتهای بهشت از همسایگی مردان با زنان سخن به میان آمده است و برخی از مردم به اشتباه گمان برده‌اند که این نزدیکی به معنی نزدیکی جنسی است. در *الراغب* درباره فرمایش خدای متعال که «**زوجهنهم بحور عین**؛ آنها را با حوریان همسر می‌گردانیم» آمده است: معنای آیه این است که آنها را به ایشان نزدیک کردیم و نفرموده است: حور را به ازدواج آنها درآوردیم، همچنان که گفته می‌شود: زنی را به ازدواج او درآورد. (زوجه إمرأة) لذا این عبارت به معنی ازدواج متعارف در بین ما نیست. (۱۰)

مطلب دیگر اینکه مقصود و هدف از روابط جنسی میان زن و مرد در این دنیا پاسخ به نیاز طبیعت، آبادانی زمین و حفظ نسل بشری از خطر انقراض است بنابراین، ضرورتی برای تحقق این اهداف در آخرت وجود ندارد و نزدیکی مردان به زنان در بهشت معنای دیگری دارد که با مفهوم متعارف در بین ما اختلاف دارد. ذکر زنان در قرآن نیز بیانگر آن است که زنان و مردان در پیشگاه او یکسانند و زنان نیز همانند مردان در آخرت از نعمتها برخوردارند. خداوند متعال می‌فرماید: «**و من عمل صالحا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن، فأولئك یدخلون الجنة؛** هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، وارد بهشت می‌شود.» و در قرآن آمده است که مردان با زنانشان در بهشت همنشین هستند. «**و یا ادم أسکن أنت و زوجک الجنة (۱۱)؛** و تو [ای آدم] با جفت خویش در آن باغ سکونت گیر.» و در توصیف همنشینی زن و مرد در بهشت می‌فرماید: «**هم و أزواجهم فی ظلال علی**

**أنفسکم أزواجاً**» گویاترین عبارتی است که بر وحدت در اصل آفرینش جنس زن و مرد دلالت دارد.

بنابراین، می‌توان به اشتیاق زن و مرد جهت وصال و یکی شدن، پس از جدایی و دوری از یکدیگر در گذشته را پی برد و دلیل این امر را می‌توان تحولاتی برشمرد که از آرامش مذکور در آیه فوق در احساسات همسران و درون آنها پدید می‌آید. و از آنجا که امکان ندارد این کلمه آرامش، تعبیری از روابط مبتنی بر شهوت خالی باشد، در آیه مذکور در توصیف رابطه میان زن و مرد از صفتهای مودت و رحمت استفاده شده است. به جای کلمه محبت از مودت استفاده گردیده است. هر چند از لحاظ لفظ و مفهوم، این دو کلمه نزدیک به هم و مترادفند، اما شکی نیست که مودت به خاطر خلوص از گرایشهای شهوانی و تشهه‌های ناشی از حس غیرت، ماندگارتر و پایدارتر است.

بنابراین، بر زنان و مردان واجب است که آیه: «**و من آياتہ أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة**» را همیشه مد نظر داشته باشند؛ زیرا این آیه بیان ویژگی روابط متعالی زناشویی است و بیان این مسئله امری بعید نیست؛ چرا که قرآن کلامی است که از جانب خداوند متعال و برای هدایت اهل تقوا بر پیامبر اکرم (ص) نازل گردیده است.

پس از توضیحات فوق و به دلیل ضیق مجال تنها مختصری در مورد زنان و حورالعین و روابط آنها با مردان در بهشت که در قرآن کریم آمده است، سخن می‌گوییم. اما لازم است در ابتدا به این نکته اشاره نمایم که ویژگیهای بهشت به طور اختصار به گونه‌ای است که نه چشمی آن را دیده، نه گوشی آن را شنیده و نه به قلب هیچ بشری خطور کرده است. بنابراین، لازم است برای تصور آخرتی که قرآن برای ما وصف نموده و از قول خداوند متعال از ویژگیهای آن سخن گفته است، تنها به آگاهیهای خود از نعمتهای دنیوی بسنده نکنیم.

برای ادامه بحث به کلام یکی از متفکران بزرگ جهان اسلام، تاریخ‌نویس و مدافع و مبلغ دین اسلام **علامه محمد علی هندی** اشاره می‌کنیم و با توجه به اینکه بر آنیم تا خلاصه‌ای از اظهار نظر او را از انگلیسی ترجمه نماییم، لذا وظیفه خود می‌دانیم که برای رعایت احترام ایشان از تحریف کلامش خودداری کرده و مسئولیت نظراتش را به خود او واگذاریم.

مقصود و هدف از روابط جنسی میان زن و مرد در این دنیا پاسخ به نیاز طبیعت، آبادانی زمین و حفظ نسل بشری از خطر انقراض است بنابراین، ضرورتی برای تحقق این اهداف در آخرت وجود ندارد و نزدیکی مردان به زنان در بهشت معنای دیگری دارد که با مفهوم متعارف در بین ما اختلاف دارد

**الارائك متكئون (۱۲):** آنها با همسرانشان در زیر سایه‌هایی بر تختها تکیه می‌زنند.» و اما درباره کلمه حور باید گفت که در توصیف ویژگیهای زنان بهشت، از این کلمه استفاده شده است. کلمه حور جمع «احور» برای مردان و «حورا» برای زنان است و گفته می‌شود حورا به معنی سفیدرو است و به زنی گفته می‌شود که سیاهی و سفیدی چشمش خالص است. خداوند متعال می‌فرماید: **«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ... متكئين علی سرر مصفوفه و زوجانهم بحور عین (۱۳)؛** پرهیزگاران در باغهایی و [در] ناز و نعمتند... بر تختهایی ردیف هم تکیه زده‌اند و حوران درشت چشم را همسر آنان گردانده‌ایم.» و در آیه دیگری می‌فرماید: **«و حور عین کامل اللولو المکنون جزاء بما كانوا یعلمون (۱۴)؛** و حوران چشم درشت مثل لؤلؤ نهران میان صدف هستند و [اینها] پاداشی است بر آنچه می‌کردند.» در اینجا باید گفت: آیا منظور از حورالعین، همسران اهل بهشت هستند یا مخلوقات دیگر؟!

در مقدمه پاسخ به این سؤال آیه‌ای، از قرآن کریم ذکر می‌شود که پس از اشاره به حورالعین می‌فرماید: **«إنا أنشأناهن إنشاء فجعلنهن ابکارا عربوا أترابا لأصحاب الیمین (۱۵)؛** ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم و ایشان را دوشیزه گردانیده‌ایم، زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش زبان و فصیح و هم‌سن و سالند، اینها همه برای اصحاب یمین است.»

و در تفسیر **«إِنَّ إِنشأنا هُنَّ إِنشاءاً»** از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که: «منشاءات زنانی هستند که در دنیا به پیری رسیده‌اند و شادابی و بینایی خود را از دست داده‌اند.» بنابراین، مقصود این آیه، پیرزنان این دنیا هستند که در روز قیامت به صورت دوشیزه، مجدداً آفریده می‌شوند. این تفسیر بیانگر آن است که مقصود از کلمه حور، آفرینش مجدد زنان این دنیا در جهان آخرت است. در تأیید این مطلب داستانی لطیف از ترمذی نقل می‌کنیم: پیرزنی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! از خداوند بخواه که مرا وارد بهشت کند. حضرت فرمود: ای ام فلان، هیچ پیرزنی وارد بهشت نمی‌شود. پیرزن در حالی که گریه می‌کرد، برگشت. سپس پیامبر اکرم (ص) فرمود: به او خبر دهید که با پیری وارد بهشت نمی‌شود؛ زیرا خدای متعال می‌فرماید: «ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم.»

اما اگر بخواهیم حور را به معنی زنانی غیر از زنان این دنیا در نظر بگیریم که برای تنعم مرد و لذت او آفریده شده‌اند، براساس آیه **«و من عمل صالحا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن، فاولئک**

در تفسیر «إِنَّ إِنشأنا هُنَّ إِنشاءاً» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که: «منشاءات زنانی هستند که در دنیا به پیری رسیده‌اند و شادابی و بینایی خود را از دست داده‌اند.» بنابراین، مقصود این آیه، پیرزنان این دنیا هستند که در روز قیامت به صورت دوشیزه، مجدداً آفریده می‌شوند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

بر اساس مطالب ذکر شده درباره احکام قرآن در موضوع غریزه جنسی در زندگی دنیا، می توان به این نتیجه رسید که اسلام به عنوان دین فطرت، غریزه های را که خالق بلندمرتبه در وجود انسان و سایر مخلوقات قرار داده، در چارچوب قوانین دین، به رسمیت شناخته است و در عین حال، از انسان به عنوان اشرف مخلوقات خواسته است تا تلاش خود را بیشتر از دنیا به آخرت مصروف دارد

**یدخلون الجنة؛** هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، وارد بهشت می شود. خداوند می بایست میان مردان و زنان بهشتی عدالت برقرار نماید و همان گونه که برای مردان اهل بهشت، حوری آفریده است، مردانی را نیز برای بهره مندی زنان اهل بهشت بیافریند و حقیقت این است که کنه و باطن نعمتهای بهشتی را هیچ فردی نمی تواند درک نماید و تنها چیزی که می توانیم بگوییم، این است که نمی توان برای عباراتی که در قرآن درباره این نعمتها ذکر گردیده است، هیچ گونه معنای شهوانی برشمرد.

مطالبی که در مورد حور گفته می شود، در مورد غلمان و نوجوانان بهشتی نیز صدق می کند. خداوند متعال می فرماید: **«و یطوف علیهم غلمان لهم کأنهم لؤلؤ مکنون»**؛ (۱۶) و پیوسته برگردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می کنند که همچون مرواریدهای درون صدفند. و در تفسیر این آیه آمده است که منظور از غلمان، فرزندان مؤمنان اهل بهشت اند با استناد به این آیه که: **«و الذین ءامنوا و اتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم»** (۱۷)؛ و کسانی ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنها ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم.

با مطالعه و تفکر در آیاتی که در مورد اوصاف بهشت وجود دارد، به این نتیجه خواهیم رسید که نمی توان نعمتهای بهشتی را از سنخ نعمتهای شهوانی بدانیم و در این باره این دو آیه برای ما کافی است: **«ان المتقین فی جنات و عبون ادخلوها بسلام ءامنین و نزعنا ما فی صدرهم من غل ءخوانا علی سرور متقابلین لایمسهم فیها نصب و ما هم منها بمخرجین»** (۱۸)؛ بی گمان پرهیزگاران در باغها و چشمه ساراند، [به آنان گویند:] با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید. و آنچه کینه [و شائبه های نفسانی] در سینه های آنان است برکنیم؛ برادرانه بر تختهایی روبروی یکدیگر نشسته اند، نه رنجی در آنجا به آنان می رسد و نه از آنجا بیرون رانده می شوند. و آیه دیگر: **«وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الأنهر خالدین فیها و مساکن طیبه فی جنات عدن و رضوان من الله أكبر ذالک هو الفوز العظیم»** (۱۹)؛ خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند بود، و

[نیز] سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگ تر است. این است همان کامیابی بزرگ.

بدین ترتیب قرآن اثبات می نماید که بالاترین هدف از زندگی انسان، دیدار با پروردگار در زندگی دیگر است. خداوند می فرماید: **«فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لایشکر بعباده ربه احدا»** (۲۰)؛ پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

بر اساس مطالب ذکر شده درباره احکام قرآن در موضوع غریزه جنسی در زندگی دنیا، می توان به این نتیجه رسید که اسلام به عنوان دین فطرت، غریزه های را که خالق بلندمرتبه در وجود انسان و سایر مخلوقات قرار داده، در چارچوب قوانین دین، به رسمیت شناخته است و در عین حال، از انسان به عنوان اشرف مخلوقات خواسته است تا تلاش خود را بیشتر از دنیا به آخرت مصروف دارد و به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم جامه عمل ببوشاند که: **«و ابتغ فیما ء اتاک الله الدار الآخره و لاتنس نصیبک من الدنیا»** (۲۱)؛ و به آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.

#### پی نوشتها:

۱. انعام، ۳۸.
۲. نساء، ۳۳.
۳. همان، ۳۴.
۴. نور، ۳۲.
۵. نساء، ۳.
۶. نحل، ۷۲.
۷. اعراف، ۳۳-۳۳.
۸. آل عمران، ۳۹.
۹. روم، ۲۱.
۱۰. مفردات راغب، ذیل ماده «زوج».
۱۱. اعراف، ۱۹.
۱۲. یس، ۵۶.
۱۳. طور، ۱۷ - ۲۰.
۱۴. همان، ۲۴-۲۲.
۱۵. واقعه، ۳۸-۳۵.
۱۶. طور، ۲۴.
۱۷. همان، ۲۱.
۱۸. حجر، ۴۵-۴۸.
۱۹. توبه، ۷۲.
۲۰. کهف، ۱۱.
۲۱. قصص، ۷۷.